

چشم انداز ایران به سازمان کنفرانس اسلامی به فرصت‌ها و ناکامی‌ها

دکتر سید مهدی فتاحی
عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

چکیده

سازمان کنفرانس اسلامی یکی از مهمترین سازمان‌های موجود در جهان می‌باشد که می‌تواند دو کارکرد داشته باشد. اول به‌عنوان حلقه‌ی مفقوده در پروسه جهانی شدن مطرح باشد. ثانیاً می‌تواند حدود ۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ نفر مسلمان را در زیر چمبیره‌ی خود و در قالب ۵۷ کشور مسلمان که در ۴ قاره جهان پراکنده‌اند جمع و متحد نماید و دغدغه‌ها و غم‌ها و شادی‌های مشترکی را برای آن‌ها به تصویر کند و آن‌ها را متحد و منسجم نماید. مسائل مهم جهان اسلام همانند مسئله فلسطین، عراق، افغانستان، بوسنی و هرزه گوین و تنش‌های دیگری که موضوعاتی مهم برای کشورهای مسلمان تلقی می‌شوند می‌توانند مواضع سازمان کنفرانس اسلامی را جهت و شکل ببخشند.

این سازمان دارای ارکان و ساختارهایی است و در این مقاله محقق به دنبال بررسی عوامل همگرا (نقاط قوت) و عوامل واگرا (نقاط ضعف) در ارتباط با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با سازمان کنفرانس اسلامی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: سازمان کنفرانس اسلامی، ایران، ساختار و ارکان، مواضع سازمان، عوامل همگرا و واگرا.

مقدمه

نگاهی اجمالی به گذشته انقلاب اسلامی و دوره‌های سیاست خارجی آن حاکی از توجه ویژه جمهوری اسلامی ایران به سازمان کنفرانس اسلامی و کشورهای عضو آن می‌باشد. جمهوری اسلامی خواهان تأکید زیاد بر مشترکات خود با اعضاء این سازمان است. اصولی مانند خدامحوری، قرآن محوری، کعبه محوری می‌تواند راه را برای همکاری‌های سازنده و مشترک در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هموار سازد، پروتکل‌های چالش ساز همانند کنوانسیون‌های مربوط به حقوق بشر، بالاخص قسمت‌هایی که با اصول دین اسلام سر ناسازگاری دارد، اصولی همچون رعایت حقوق همجنس‌بازان، برابری مطلق زن و مرد در قالب جنبش فمینیسم و پدیده‌های نوظهور که همواره کشورهای غربی، خطاب و انگشت اتهام خود را متوجه اسلام‌گرایان می‌سازند، نیاز به همفکری و اتخاذ بیان مشترک دارد. این فصول مشترک می‌تواند عوامل همگرا را تقویت و عوامل واگرا بین کشورهای اسلامی به حاشیه براند. در حال حاضر به نظر می‌رسد عوامل همگرا قویتر است و بر این اساس می‌تواند به دلائل متغیرهای داخلی و تحریک غربی‌ها از عوامل همگرا قویتر است و بر این اساس می‌تواند به دلائل متغیرهای داخلی و تحریک همچون اشغال افغانستان، عراق، جنوب لبنان، نزاع بین فتح و حماس در فلسطین دغدغه ذهنی هر مسلمانی را به خود مشغول ساخته است. جمهوری اسلامی ایران تاکنون چهار گفتمان را در رفتار خارجی خود پشت سر گذرانده است: گفتمان اول مشهور به گفتمان مصلحت محور یا واقع‌گرای اسلامی تا سال ۱۳۶۰ می‌باشد. گفتمان دوم به گفتمان ارزش محور یا آرمان‌گرا بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ مشهور می‌باشد. این گفتمان به دو بخش امت محور و مرکز محور تقسیم می‌شود. گفتمان سوم به گفتمان منفعت محور - اصلاح طلب بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ شهرت دارد. گفتمان چهارم به گفتمان فرهنگ‌گرای سیاست محور بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ مشهور است و بالاخره در گفتمان جدید که سال ۱۳۸۴ با دوره ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد شروع شد، نوعی گفتمان ارزش محور - دین‌گرا ظاهر می‌گردد. همه این گفتمان‌ها در امت‌گرایی، مصلحت‌گرایی، عقلانیت اخلاقی، وحدت جهان اسلام و اسلام‌گرایی مشترکند. البته هر کدام از این گفتمان‌ها برای وصول به هدف، تاکتیک‌های خاص خود را دنبال می‌کنند، لیکن همگی در وحدت جهان اسلام، شادی‌های جهان اسلام، غم‌های جهان اسلام، دشمن‌های جهان اسلام و فرصت‌های پیش رو اصالت را به امت اسلامی می‌دهند ولی مرکزیت را به جمهوری اسلامی اختصاص می‌دهند. نکته حائز اهمیت این که تمام کشورهای اسلامی در رهبری جهان اسلام و احساس پیشروی دچار تفرقه می‌شوند. مشکل جهان اسلام آن است که همگی خواهان رهبر شدن هستند، اندونزی ادعای رهبری جهان اسلام را دارد، چون وسعت سرزمینی و جمعیت حدود ۲۰۰ میلیون نفر را شاهد بر مدعا می‌گیرد. سعودی‌ها به واسطه وجود

دو شهر مقدس مکه و مدینه ادعای رهبری دارد. جمهوری اسلامی ایران به واسطه منابع انسانی و نفس‌اسلامیت نظام چنین ادعائی دارد. در حالی که جهان اسلام باید از تمام ظرفیت‌های خود استفاده کند. این استفاده از ظرفیت می‌تواند از طریق ایجاد شبکه مجازی تحقق یابد. این شبکه مجازی همان‌گونه که در اتحادیه اروپا به‌عنوان یک سازمان الگو برای جهان اسلام، همگی از ظرفیتش استفاده می‌برند، می‌تواند سود بیشتری را نسبت به تک‌تک اعضا پردازد. اعضا جهان اسلام تا حدی از این فرصت‌ها سود جسته‌اند؛ مالزی، امارت متحده عربی، قطر، ترکیه چون به وسائل پیشرفت تمدنی مانند اینترنت و شبکه کابل نوری، ایدئولوژیکی نمی‌نگرند، توانسته‌اند خود را برای کشورهای جهان سوم الگو قرار دهند. ترکیه در سال ۲۰۰۷ حدود یکصد و سی میلیارد دلار صادرات غیر نفتی داشت، مالزی مشهور به ببر شرق و مورد قبول همه کشورهای جهان می‌باشد، امارات متحده از طریق ایجاد ترمینال‌های Hob موجی از اطلاعات و آگاهی را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد و از این طریق، این کشورها، وابستگی‌شان به جهان و دنیا را افزایش می‌دهند. بنابراین می‌توان با استفاده از ظرفیت سازمان کنفرانس اسلامی و ایجاد شبکه مجازی بین کشورهای جهان اسلام، بدون این که احساس رهبری و پیشوائی به‌وجود آید، از تمام ظرفیت‌ها به‌خوبی استفاده برد. نکته دوم راجع به سازمان کنفرانس اسلامی و اعضا آن، این که این کشورها به‌نحوی دچار غرور و نخوت و خود بزرگ بینی هستند در حالی که باید این واقعیت را پذیرفت که جهان اسلام حداقل صد و پنجاه سال نسبت به غرب عقب مانده است. این عقب ماندگی را این‌طور تفسیر کنیم که مدیون آن‌ها هستیم یعنی بدهکاریم. چون از آن‌ها سرویس گرفته‌ایم. این مسئله باید در ما انگیزه‌ای ایجاد کند تا دین خود را ادا نمائیم و سعی و تلاش کنیم تا در حوزه‌هایی آنقدر پیشرفت نمائیم تا آن‌ها را مدیون خود سازیم و آن‌ها از ما سرویس بگیرند. شاید کشورهای جهان اسلام در حوزه اخلاق نسبت به غرب برتر باشند لیکن به‌طور مسلم در حوزه IT و فن و تکنولوژی باید تلاش کند. بر این اساس لازم است تا کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی اولاً بر علم و تحقیقات سرمایه‌گذاری کنند. ثانیاً از شعائر دینی و مذهبی و ایدئولوژیکی در جهت پژوهش سود جویند. ثالثاً از توسعه اینترنت و تهدیداتش نهراسند، عمیق‌نگر باشند و نه ظاهربین، رابعاً همان‌طور که به قول اندیشمندی تصور از دانش بالاتر است^۱، کشورهای جهان اسلام در ترسیم شبکه مجازی کوتاهی می‌ورزند. چون جهان علم به سمت سه بعدی بودن در حرکت است و سرعت علم و پیشرفت آن دوپست برابر گذشته خواهد بود. بر این اساس همگی کشورهای جهان اسلام ضمن ترسیم چشم‌انداز بیست ساله، شرایط تحقق و حصول آن را در طی سه الی چهار برنامه چندساله فراهم آورند. در این راستا می‌توان نسبت به عوامل همگرا امیدوار بود و در این صورت سازمان کنفرانس اسلامی را الگویی برای تحقق وحدت جهان اسلام و رفع مشکلات عدیده به‌مثابه

1- Imagination is more important than knowledge

اتحادیه اروپا دانست اگرچه این گزاره در حال حاضر به یک رویا و ایده شبیه است، لیکن ایده‌ها می‌تواند با یک اراده قوی به عمل تبدیل گردند. به هر حال بررسی رابطه ایران با سازمان کنفرانس اسلامی در سطح خردتر می‌تواند رهگشا باشد.

معرفی اجمالی سازمان

سازمان کنفرانس اسلامی در حال حاضر دارای پنجاه و هفت عضو است که در چهار قاره جهان پراکنده‌اند جز آلبانی که کشوری اروپایی است و سورینا که تنها عضو این سازمان از قاره آمریکاست. دیگر اعضای سازمان از آسیا و آفریقا هستند (برهانی، ۱۳۷۶، ۱۲۲). همچنین اعضاء براساس نوعی تقسیم‌بندی رسمی، به سه گروه عرب، آفریقایی و آسیایی تعلق دارند. گروه عرب و به ویژه کشورهای عرب عضو شورای همکاری خلیج فارس کانون اصلی قدرت در سازمان به شمار می‌آیند. این سازمان از زمان نخستین اجلاس سران در سال ۱۹۶۹ (رباط - مراکش) تاکنون دوازده اجلاس سران و سی و هشت اجلاس در سطح وزرای امور خارجه برگزار کرده است.

ارکان و ساختار سازمان کنفرانس اسلامی

سازمان کنفرانس اسلامی از سه رکن اصلی تشکیل می‌شود. آن‌ها عبارتند از:

الف) کنفرانس سران کشورهای اسلامی

ب) کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی

ج) دبیرخانه سازمان

کنفرانس سران کشورهای اسلامی، عالی‌ترین گردهمایی در داخل سازمان محسوب می‌شود و براساس منشور، هر سه سال یک بار در پایتخت یکی از کشورهای عضو سازمان برگزار می‌گردد. بخش کنفرانس وزرای خارجه همه ساله، یک اجلاس عادی در یکی از کشورهای عضو تشکیل می‌دهد. دبیرخانه سازمان نیز از دبیر کل که ریاست کارکنان سازمان را بر عهده دارد، چهار معاون وی و کارمندان مختلف دیگر تشکیل می‌شود. مقر دبیرخانه براساس منشور کنفرانس اسلامی، شهر بیت المقدس است. اما تا زمان رفع اشغال صهیونیست‌ها، «جده» به‌طور موقت دبیرخانه خواهد بود. در اجلاس پنجم سران کنفرانس اسلامی (کویت ۱۹۸۷) طی قطعنامه ای «دیوان بین المللی عدل اسلامی» به عنوان رکن چهارم سازمان اضافه شد. دبیرخانه، مأمور هماهنگ کردن و نظارت بر کار بیش از سی نهاد وابسته به سازمان می‌باشد. بانک توسعه اسلامی، مجمع فقه اسلامی، کمیته قدس، سازمان اسلامی امور فرهنگی، علمی تربیتی و کمیته دائمی همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی را می‌توان از مهمترین نهادهای

سازمان به‌شمار آورد. مبنای کار در سازمان منشور چهارده ماده‌ای آن است که در اجلاس سوم وزیران خارجه (جده - ۱۹۷۲) مورد تصویب قرار گرفت. براساس منشور، هر کشور اسلامی می‌تواند به عضویت سازمان درآید اما در واقع هیچ معیاری برای شناسایی «کشور اسلامی» مشخص نشده است، در عمل هر کشوری که دارای جمعیت قابل توجهی از مسلمانان باشد، می‌تواند به سازمان راه یابد. هدف‌های منشور سازمان کنفرانس اسلامی به‌ترتیب عبارتند از:

- ۱- ارتقاء همبستگی اسلامی میان کشورهای عضو؛
 - ۲- حمایت از همکاری میان کشورهای اسلامی و عضو در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و دیگر موارد اساسی؛
 - ۳- تلاش در جهت محو تبعیض نژادی و خاتمه بخشیدن به استعمار در تمام اشکال آن؛
 - ۴- اتخاذ تدابیر لازم برای پشتیبانی از صلح و امنیت بین‌المللی مبتنی بر عدالت؛
 - ۵- هماهنگ کردن تلاش‌ها به‌منظور حفاظت از اماکن مقدس و آزادسازی آن‌ها و پشتیبانی از مبارزه ملت فلسطین و کمک به این ملت در جهت بازپس گرفتن حقوق خود و آزاد نمودن سرزمینش؛
 - ۶- پشتیبانی از مبارزه تمام ملل اسلامی در راه حفاظت از کرامت، استقلال و حقوق ملی‌شان؛
- تصمیم‌گیری در سازمان براساس رأی‌گیری اکثریت است اما در عمل، تصمیمات سازمان طی جلسات رسمی، با اجماع اتخاذ می‌شود. (برهانی، ۱۳۷۶، ۸۶۴)

زمینه‌های شکل‌گیری و تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی

فکر تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی به اواسط قرن بیستم میلادی برمی‌گردد. در آن سال‌ها چند جریان سیاسی در منطقه خاورمیانه باعث ایجاد جرقه‌های اولیه این تصمیم شد. این جریان‌ها عبارت بودند از:

- ۱- سیاست شاه ایران در جهت تثبیت رهبری رژیم پهلوی در منطقه
- ۲- سیاست عربستان سعودی در مقابله با تز وحدت عربی جمال عبدالناصر
- ۳- شکست اعراب در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ از اسرائیل.
- ۴- آتش سوزی مسجد الاقصی در اوت ۱۹۶۹

الف) سیاست شاه ایران در جهت تثبیت رهبری رژیم پهلوی در منطقه

برای بررسی علل و عوامل شکل‌دهنده به سازمان کنفرانس اسلامی باید شرایط و جریان‌ها سیاسی حاکم در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی را به‌خوبی مد نظر قرار داد. ظرف سال‌های مذکور گرایش‌های مختلف سیاسی در بین کشورهای مختلف اسلامی ایجاد شد. ظهور جمال عبدالناصر

در مصر و عنوان کردن ناسیونالیسم عربی از یک سو و پیمان‌های منطقه‌ای مانند «سنتو» که عمدتاً نظامی بودند از سوی دیگر، تمایلات اتحاد فراملی بین کشورهای اسلامی را دامن می‌زدند. در سال ۱۹۵۵ عراق و ترکیه با امضای پیمان بغداد، سازمان پیمان مرکزی سنتو را به وجود آوردند که در همان سال ایران، پاکستان و انگلستان به آن پیوستند. پس از چندی عراق از این پیمان خارج شد (امامی، ۱۳۷۴، ۳) و با سوریه اختلاف پیدا کرد به گونه‌ای که روابط این دو کشور اسلامی دچار بحران شد. شاه ایران که در سال ۱۳۳۲ شمسی از کشور گریخته و پس از کودتای ۲۸ مرداد بازگشته بود و نیاز به یک عامل ثابت بین‌المللی برای خود داشت، از این فرصت استفاده کرده و با مطرح کردن شعار «وحدت اسلامی» میانجیگری بین این دو کشور را به عهده گرفت، جهت اجرای این سیاست در جلسه مجلس شورای ملی ایران در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۵۶ (۱۸ آذر ۱۳۳۵) وزیر خارجه وقت ایران - اردلان - ضمن گله و شکایت از وضع موجود بین دو کشور عراق و سوریه، راه حل را در تشکیل یک کنفرانس از نمایندگان عالی مقام همه دول خاورمیانه دانست و اظهار داشت که ایران همه مساعی خود را در تشکیل چنین کنفرانسی به کار خواهد برد. همچنین سفیر ایران در عربستان سعودی در ملاقات خود با ملک فیصل ولیعهد و نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه عربستان - گفت: «دولت ایران آرزومند است که پشتیبانی و مساعدت همه کشورهای اسلامی و بالخصوص کشور عربستان، کنفرانس سران را برگزار کرده تا دفع اختلافات به عمل آید.» به دنبال این اظهارات ملک فیصل مسافرتی به تهران داشت و پس از بازگشت خوشحالی خود را از تشکیل قریب‌الوقوع کنفرانس اسلامی اعلام کرد. وی اظهار کرد: «خوشحالی من این است که خدمتی به وحدت و عظمت اسلام کرده و شاه و ملت ایران را بهتر شناخته و قدم استواری در تحکیم مناسبات دو کشور برداشته‌ام. انشاء... بعد از دو تا سه سال، کنفرانس سران اسلامی که در تهران پایه گذاری شد، منعقد می‌گردد» (اطلاعات، ۱۳۳۸). در واقع این مورد زمینه‌ای شد برای فعالیت ایران در جهان اسلام و گامی برای تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی. پس از این اقدام، عربستان و ایران که هر کدام به دنبال رهبری خودشان بر جهان اسلام بودند، دست به فعالیت‌های مستقلی زدند. در همین راستا بود که عربستان سعودی اقدام به تشکیل «الرابطه العالم الاسلامی» کرد و در حقیقت در هشتمین کنگره رابطه العالم الاسلامی بود که فکر تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی مطرح شد. اساسنامه سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۳۵۱ به تصویب دولت ایران رسید و ایران رسماً به عضویت این سازمان درآمد. (بنده مقام، ۱۳۶۸، ۸-۷)

ب) سیاست عربستان سعودی در مقابله با تز وحدت عربی ناصر

شعار وحدت عربی یا پان عربیسم که توسط جمال عبدالناصر مطرح شد و جذابیت روز افزونی در بین مردم عرب یافت، مقامات عربستان سعودی را با بیم از دست رفتن نفوذشان در

بین کشورهای عربی مواجه ساخت. بر این اساس ملک سعود - پادشاه وقت عربستان - در مراسم حج سال ۱۳۳۹ شمسی (۱۹۶۰ میلادی) دستور داد تا از وجود شخصیت‌های بزرگ اسلامی که برای ادای مناسک حج به عربستان آمده بودند، استفاده شده و کنفرانسی در مکه معظمه برای تبلیغ اسلام به شرح اصول و تفسیر تعالیم آن و مبارزه با عقاید ضد اسلامی و جستجوی راه حلی برای مشکلات جهان اسلام تشکیل شود. کنفرانس مزبور در حج همان سال تشکیل شد و شخصیت‌های بزرگ اسلامی که در آن شرکت کردند، تصمیم به ایجاد یک سازمان اسلامی بین المللی به نام «الرابطة العالم الاسلامی» گرفتند و اعضای مجلس مؤسسان آن در همان موقع انتخاب شدند. پس از آن ملک فیصل برای جلب نظر دولتمردان مسلمان برای تشکیل کنفرانس سران به کشورهای مختلف اسلامی سفر کرد.

ج و د) شکست اعراب در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ و آتش سوزی مسجد الاقصی در اوت ۱۹۶۹
در اواخر دهه ۶۰ میلادی مسلمانان شاهد رویدادهای تلخی بودند. این رویدادها هر یک به نوبه خود می‌توانست موجب تنش‌هایی میان کشورهای اسلامی شود. یکی از این وقایع شکست ارتش کشورهای مصر، سوریه، لبنان در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ با اسرائیل بود. ارتش اسرائیل طی مدت کوتاهی موفق شد صحرای سینا از مصر، ارتفاعات جولان از سوریه، کرانه غربی و بخش شرقی بیت المقدس را از اردن به اشغال خود در آورد. این شکست نظامی دولت‌های عربی درگیر با مسئله فلسطین را با بحران سیاسی فزاینده مواجه کرد که استعفای جمال عبدالناصر - طراح اصلی این جنگ - را به دنبال داشت (ولایتی، ۱۳۷۸، ۲۵). رویداد تلخ دیگر در این برهه، آتش سوزی مسجد الاقصی در اوت ۱۹۶۹ بود. اسرائیل این حادثه را به یک جهانگرد استرالیایی بنام «روهین» نسبت داد و با این ادعا که وی یک بیمار روانی است از مجازات او سرباز زد. در واکنش به این فاجعه، میلیون‌ها مسلمان در سراسر سرزمین‌های اسلامی دست به تظاهرات زدند، هرچند واکنش دولت‌های اسلامی در قبال این مسئله متفاوت بود (احمدی، ۱۳۳۷).

این حوادث فرصت مناسبی برای ملک فیصل و همفکرانش فراهم کرد تا هرچه سریعتر نسبت به تشکیل کنفرانس سران کشورهای اسلامی اقدام کنند. سرانجام با پیشگامی سران کشورهای ایران، عربستان و مراکش در کنفرانسی در قاهره، راه‌های ایجاد سازمانی با معیارهای اسلامی بررسی شد و پس از طی چند مرحله، اولین کنفرانس سران اسلامی از ۲۲ تا ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹ در شهر رباط پایتخت مراکش تشکیل شد (کیهان، ۱۹۶۹) و بدین ترتیب سازمان کنفرانس اسلامی با مساعی برخی از دولت‌های اسلامی در قالب یک نهاد بین المللی و براساس حقوق سیاسی اسلام شکل گرفت.

مواضع سازمان کنفرانس اسلامی در قبال مسائل مهم جهان اسلام

سازمان کنفرانس اسلامی تلاش می‌کند تا از غم‌ها و شادی‌های مردم مسلمان در جهت تقویت عوامل همگرا بین اعضاء خود سود جوید. مباحثی که تا حدی، مشترک بین همه کشورهای اسلامی هستند عبارتند از فلسطین، عراق، افغانستان، و بوسنی هرزه گوین که مورد بررسی قرار می‌گیرند:

مسئله فلسطین

اگرچه مبنای اصلی تشکیل سازمان را می‌توان پاسخ مسلمانان به حمله اسرائیلی‌ها به مسجدالاقصی تلقی کرد، لکن سازمان کنفرانس اسلامی مسئله بیت‌المقدس را جدای از مسئله کلی فلسطین مورد بررسی قرار نداده است. غیر قابل تفکیک بودن این مسئله در اهداف اعلام شده سازمان کاملاً مشهود است. در منشور سازمان کنفرانس اسلامی در بخش اهداف آمده است: «مقاصد کنفرانس اسلامی عبارت خواهد بود از هماهنگ ساختن تلاش‌ها برای حفاظت از مکان‌های مقدس و حمایت از مبارزه مردم فلسطین و کمک به آن‌ها برای بازیافتن حقوق و آزادسازی سرزمینشان» (اطلاعات، ۱۳۵۱) در راستای این اهداف تاکنون مراکز زیر در چارچوب سازمان کنفرانس به‌وجود آمده و به فعالیت پرداخته‌اند:

۱- کمیته دائمی قدس؛ ۲- دفتر هماهنگی نظامی با فلسطین؛ ۳- دفتر اسلامی تحریم اسرائیل؛ ۴- کمیته اسلامی نظارت بر تحرکات صهیونیستی؛ ۵- کمیته شش‌گانه فلسطین؛ ۶- صندوق قدس؛ ۷- اداره قدس در دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی
در قطعنامه‌های مختلفی که از اولین اجلاس‌های سازمان تاکنون صادر شده، مسئله فلسطین و محکومیت اسرائیل بیشترین حجم را به خود اختصاص داده است (ظریف، ۱۳۷۶، ۶۷۳). محتوای این قطعنامه به‌طور کلی موضوعات زیر را شامل می‌شود:

- ۱- تاکید بر استقلال فلسطین و حمایت از حق مردم آن در اعمال حاکمیت بر سرزمین‌شان؛
- ۲- اعلام حمایت از شهر قدس شریف به‌عنوان پایتخت کشور فلسطین؛
- ۳- عنوان کردن مسئله فلسطین به‌عنوان کانون منازعات اعراب و اسرائیل؛
- ۴- مشروط کردن حل منازعه اعراب و اسرائیل به عقب‌نشینی بی‌قید و شرط اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی و بلندی‌های جولان؛
- ۵- شناسایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین به‌عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین،
- ۶- حمایت از انتفاضه مردم فلسطین؛
- ۷- درخواست از کشورهای عضو برای شرکت در تحریم اقتصادی و نظامی رژیم اشغالگر و وادار کردن آن رژیم به پیوستن به سازمان‌های بین‌المللی، مثل آژانس انرژی اتمی؛ شاید

بتوان مواضع سازمان در قبال مسئله فلسطین را با توجه به فراز و نشیب‌های آن به دو برهه زمانی تقسیم کرد:

الف) از آغاز فعالیت سازمان تا اجلاس چهارم سران در سال ۱۹۸۱؛

ب) از اجلاس چهارم سران تا اجلاس هشتم در سال ۱۹۹۷ و تاکنون؛

موضوع این سازمان در قبال مسئله فلسطین در دوره اول، مبتنی بر اهداف و اصول مندرج در منشور سازمان بود اما در دوره دوم، کنفرانس اسلامی در اصول پذیرفته شده خود، پیرامون مسئله فلسطین تجدید نظر کرد و تشکیل کمیته قدس گامی مهم در این جهت می‌باشد. ولی تاکنون متأسفانه تحرکات کمیته قدس نتوانسته است به حل و فصل مسئله فلسطین با ابتکار عمل کشورهای اسلامی بیانجامد، تا آن‌جا که ما امروز شاهد افزایش مداخلات قدرت‌های بزرگ در این موضوع حیاتی و سرنوشت ساز جهان اسلام هستیم.

مسئله عراق

تا قبل از انقلاب اسلامی در ایران، عراق مشارکت چندانی در مسایل سازمان نداشت و آن هم به دلیل تضادی بود که بین عراق و سوریه با کشورهایایی مثل عربستان و مراکش وجود داشت. پس از تجاوز عراق به جمهوری اسلامی، اهرم سازمان کنفرانس اسلامی و شورای همکاری خلیج فارس در اختیار عراق قرار گرفت. حمایت و جهت‌دهی کشورهای محافظه‌کار که می‌پنداشتند جمهوری اسلامی به مثابه خطری برای آنان است باعث شد رژیم عراق بال و پر گرفته و تا بن دندان مسلح شود (سنائی، ۱۳۶۸). قطعنامه‌های اجلاس‌های سوم و چهارم به‌نحوی تدوین شد که منافع غیرمشروع برای رژیم بعثی عراق در آن تأمین و تجاوز این رژیم در آن نادیده گرفته شد. این قطعنامه‌ها که ناقض منشور سازمان کنفرانس اسلامی بودند نه تنها اشاره‌ای به متجاوز نداشت بلکه تنها خواستار آتش بس بودند و این آتش بس هم در واقع منجر به استقرار ارتش بعثی در مناطق اشغال شده خاک ایران می‌شد. خلاصه این‌که قطعنامه‌ها و برخورد سازمان با تهاجم عراق به خاک ایران به‌دور از موضعی صادقانه بود و کاملاً موضعی جانبدارانه داشت اما با تهاجم عراق به کویت در اوت ۱۹۹۰ این سازمان طی اجلاس ۱۹ تا ۲۲ وزیران خارجه و ششم و هفتم سران، این تهاجم را به صراحت محکوم و تجاوز را هم عراق دانست. (رضوی، ۱۳۷۶، ۶-۱)

مسئله افغانستان

در اجلاس طائف ۱۹۸۱، کنفرانس با حمایت از مبارزات مردم افغانستان، همبستگی کامل خود را با ملت افغان و مبارزانشان برای آزادی و استقلال اعلام داشت. همچنین از نماینده

مجاهدین افغانی برای شرکت در جلسات کنفرانس دعوت به عمل آمد. در اجلاس چهارم سران در شهر کازابلانکای مراکش، کنفرانس ضمن ابراز نگرانی از ادامه مداخلات شوروی در افغانستان تقاضا کرد که نیروهای خارجی بدون قید و شرط خاک این کشور را ترک کنند. در این میان نقش جمهوری اسلامی ایران را نمی‌توان در زمینه اتخاذ مواضع اصولی در مورد افغانستان نادیده گرفت. در بیانیه پایانی هفتمین اجلاس سران اسلامی، قطعنامه مستقلی راجع به مسئله افغانستان به تصویب رسید که هیات نمایندگان ایران نقش مؤثری در تنظیم آن داشت. (سید السلیم، ۱۳۷۶، ۸۱-۸۰)

بوسنی و هرزگوین

از زمان بروز جنگ داخلی در جمهوری بوسنی و هرزگوین در سال ۱۹۹۲، سازمان کنفرانس اسلامی در خلال دو اجلاس عادی، سه اجلاس فوق العاده وزرای خارجه، موضوع بحران بوسنی و هرزگوین را در دستور کار خود قرار داد. از جمله اقدامات این سازمان در قبال جنگ نابرابر و اقدامات غیر انسانی شورشیان صرب علیه ملت مسلمان بوسنی تشکیل «گروه تماس کشورهای اسلامی» برای ایجاد ارتباط سازمان یافته با سایر مجامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و انعکاس مواضع کشورهای اسلامی به شورای امنیت و سایر کشورهای مرتبط با بحران بوده است. اگرچه همه کمک‌ها و حمایت‌های این سازمان از مسلمانان بوسنی، غیر نظامی محسوب می‌شد. اما در عین حال دو نکته اساسی در مورد این نوع حمایت‌ها که در پنجمین اجلاس فوق العاده وزرای خارجه اتخاذ گردید، بسیار با اهمیت است.

۱- به هیچ وجه نمی‌توان تأثیر بی‌چون و چرای حمایت‌های سیاسی سازمان را از مسلمانان بوسنی نادیده گرفت چرا که همین حمایت‌ها بود که موجب شد این کشور به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شود. همچنین علت اعمال تحریم اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل علیه جمهوری صربستان و مونتنگرو ناشی از همین حمایت‌ها بود.

۲- دومین نوع حمایت سازمان از مسلمانان بوسنی، کمک نظامی بود. سازمان کنفرانس اسلامی در جستجوی امکان انجام عملیات نظامی مشابهی برای خاتمه تجاوز صرب‌ها بود به همین دلیل از تمام کشورهای عضو دعوت کرد که در صورت درخواست سازمان ملل متحد برای اجرای قطعنامه‌های مصوب شورای امنیت در مورد بوسنی و هرزگوین آماده ارائه هر نوع کمکی به این سازمان باشند.

فعالیت‌های ایران در سازمان کنفرانس اسلامی

فعالیت‌های ایران در سازمان کنفرانس اسلامی را می‌توان به دو دوره کلی تقسیم نمود:

۱- فعالیت‌های ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

۲- فعالیت‌های ایران بعد از پیروزی انقلاب

در هر یک از این دو دوره روابط ایران با سازمان با فراز و نشیب‌هایی روبرو بوده است که می‌توان آن را به چهار دوره تقسیم کرد.

الف) دوره توجه و مشارکت فعال

این دوره که از آغاز فعل و انفعالات مربوط به تشکیل سازمان شروع شد، تا اجلاس سوم وزیران خارجه (جده - ۱۹۷۲) ادامه یافت. در این دوره تشکیل سازمان و مسایل مربوط به آن با دقت از سوی ایران تعقیب می‌شد و ایران ضمن ایفای نقش ممتاز و مثبت در جریان تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی و تثبیت آن، حضوری نیرومند در سازمان و اجلاس آن داشت. همان‌گونه که در قسمت زمینه‌های شکل‌گیری سازمان کنفرانس اسلامی بدان اشاره شد، شاه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، احتیاج به یک عامل ثبات بین‌المللی برای خود داشت و بر همین اساس از اختلافات میان سوریه و عراق که در همین زمان جریان داشت استفاده و شعار "وحدت اسلامی" را مطرح کرد و خواستار میانجیگری برای رفع اختلاف این دو کشور شد. در حقیقت این اتفاق زمینه‌ای شد برای فعالیت ایران در جهان اسلام و گامی در جهت تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی.

ب) دوره کناره‌گیری و مشارکت غیر فعال

این دوره از اجلاس چهارم وزیران خارجه (لیبی - ۱۹۷۳) آغاز شد و تا پایان عمر نظام شاهنشاهی در ایران (۱۹۷۹) ادامه یافت. در این دوره کشورهای تندرو عرب به سازمان پیوستند و سازمان عرصه حضور و فعالیت کشورهایایی شد که حکومت ایران دیدگاه مثبتی نسبت به آن‌ها نداشت. عراق، سوریه، یمن جنوبی از این دست کشورها بودند. لیبی طی این دوره دو بار میزبان اجلاس بود و ایران از حضور در این اجلاس‌ها اجتناب می‌کرد.

موضع شاه در جنگ ۱۹۷۳، فاصله ایران و سازمان را بیشتر کرد. در این جنگ که در نهایت مصر به پیروزی رسید، اغلب کشورهای ذی‌نفع در سازمان یا وارد جنگ با اسرائیل شدند و یا در تحریم نفتی حامیان آن شرکت کردند، اما دولت وقت ایران نه تنها در جنگ شرکت نکرد بلکه با ادامه صدور نفت به غرب و اسرائیل، در طرف دیگر قرار گرفت. طی این دوره مصر از کشورهای عربی فاصله گرفت و به آمریکا و اسرائیل نزدیک شد و سرانجام پیمان صلحی نیز با اسرائیل امضاء کرد و به همین دلیل عضویت مصر در سازمان به‌حالت تعلیق درآمد. مصر و ایران در این دوره به هم نزدیک شدند و روابط مستحکمی برقرار کردند. در یک جمع‌بندی نهایی، باید اظهار داشت که دولت وقت ایران بدون داشتن اهداف درازمدت و طرحی اصولی، تلاش کرد تا

از نقش سازمان کنفرانس اسلامی به صورت مقطعی و محدود در حل بحران‌های داخلی و کسب مشروعیت مذهبی در سطح کشور سود جسته و از زاویه سیاست خارجی بکوشد با ایجاد یک تحرک نمادین، ضمن مطرح ساختن نقش خود در جوامع غربی از حساسیت‌های احتمالی ناشی از ناسیونالیسم غربی بر ضد منافع سنتی خود بکاهد. تحولات بعدی سازمان نشان داد که رژیم پهلوی از در پیش گرفتن این سیاست دوگانه، طرفی نبسته است و از ایفای نقشی که می‌توانست به صورت بالقوه در سطح جهان اسلام داشته باشد، محروم ماند.

ج) دوره چالش

در این دوره از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شروع و تا پایان جنگ تحمیلی ادامه یافت. این دوره را به این علت دوره چالش می‌گویند که وقوع انقلاب اسلامی در ایران حامل ارزش‌ها و پیامدهایی بود که سازمان را از چند ناحیه تحت فشار قرار می‌داد، یکی این که بعضی از نظام‌های سنت‌گرا و محافظه کار منطقه مثل عربستان حفظ نظام سنتی خودشان را با اسلام‌گرایی مرتبط نشان می‌دادند، این نظر در سایه پیروزی انقلاب جمهوری خواهانه اسلامی در ایران مورد تردید قرار گرفت. دیگر این که انقلاب ایران ابعاد محافظه کارانه و غرب‌گرای سازمان را به باد انتقاد گرفت و خواهان قطع امید مسلمانان از چنین مراکز و آغاز حرکتی نو و مردمی برای مقابله یکپارچه یا توطئه‌های غرب بر ضد جهان اسلام شد. با شروع جنگ بین ایران و عراق، روابط ایران با سازمان وارد چالش جدیدی شد، زیرا بروز درگیری شدید و همه جانبه میان دو عضو اصلی سازمان، نظریه «همبستگی اسلامی» را که زیر بنای اساسی شکل در سازمان به شمار می‌رفت زیر سؤال برد و عملاً نشان داد این تفکر تا چه اندازه در برابر واقعیت‌های موجود در جهان اسلام شکننده است. در جریان این جنگ، نه تنها تلاش‌های سازمان برای حل و فصل بحران، نتیجه‌ای جدی نداشت، بلکه سازمان با زیر پا گذاشتن اصل بی‌طرفی، اصول و اهداف منشور سازمان را نقض کرد و در قطعنامه‌هایی که صادر کرد غالباً به جانبداری از طرف متجاوز می‌پرداخت.

د) دوره توجه مجدد و فعالیت

پس از پایان جنگ، دوره تازه‌ای از روابط ایران و سازمان کنفرانس اسلامی آغاز شد. در شرایط جدید، اولاً سیاست ایران درباره سازمان‌های بین‌المللی و حضور در آن‌ها، تحول یافت و رغبت بیشتری برای کار با سازمان‌های مزبور بر دستگاه سیاست خارجی کشور حاکم شد و ثانیاً علت اصلی رکود حاکم بر روابط ایران و سازمان - یعنی جنگ ایران و عراق - برطرف شد. لذا از اجلاس هجدهم وزرای خارجه (ریاض - ۱۹۸۹) ایران بر حضور خویش در سازمان افزود. در این

اجلاس تلاش هیات ایران با همراهی عربستان به توفیق بزرگی انجامید و طی بیانیه ویژه‌ای «سلمان رشدی» نویسنده هندی تبار انگلیسی کتاب «آیات شیطانی» مرتد و کتاب وی کفرآمیز شناخته شد (برهانی، ۱۳۷۶، ۱۲۵). در این اجلاس برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رئیس‌جمهور ایران در اجلاس حضور یافت و سخنرانی مفصل ایشان مورد استقبال مقامات دیگر کشورها قرار گرفت و مقرر شد ایران میزبان هشتمین اجلاس سران سازمان باشد. سازمان کنفرانس اسلامی ضمن اجلاس بیست و چهارم وزیران خارجه، قطعنامه‌ای در حمایت از ایران و لیبی در برابر قانون غیرعادلانه «داماتو» تصویب کرد. کشور ایران در طول دوره اخیر، میزبان بسیاری از نشست‌های سازمان، از جمله اجلاس وزیران مخابرات کشورهای اسلامی، اجلاس وزیران کشاورزی، اجلاس مدیران عامل بانک توسعه اسلامی، اجلاس کمیسیون اسلامی و نشست‌های کارشناسی پیرامون حقوق بشر اسلامی و نقش زن در توسعه کشورهای اسلامی بوده است. (موجانی، ۱۳۷۶، ۸۶۴)

اجلاس تهران و نتایج آن

دوره ریاست ایران بر سازمان، با تحولات و شرایط خاصی همراه بود. در این دوره ایران و عربستان به‌عنوان دو کشور قدرتمند اسلامی و بنیانگذار سازمان کنفرانس اسلامی که در زمان تشکیل سازمان، همکاری مؤثری برای پیشبرد نظریه تشکیل سازمان داشتند، مجدداً پس از یک دوره طولانی از سردی روابط، در چارچوب روابط بین‌الاسلامی و همکاری‌های مشترک در سازمان، به یکدیگر نزدیک شده، زمینه تحول مهمی را در قدرت و انسجام سازمان فراهم ساختند. لازم به ذکر است که همکاری این دو قدرت منطقه‌ای، می‌تواند در پیشبرد اهداف سازمان و فائق آمدن بر معضلات و مشکلات بین‌اعضاء بسیار مؤثر باشد. اجلاس سران در تهران از جهاتی چند دارای اهمیت است:

- توجه رسانه‌های گروهی به اجلاس تهران و پوشش خبری آن، نقطه عطفی در تاریخ سازمان به‌شمار می‌آید.

- میزان حضور مقامات عالی‌رتبه کشورهای اسلامی به‌رغم برخی محدودیت‌های ایران در صحنه بین‌المللی و نداشتن روابط گسترده با بعضی کشورهای عضو به‌ویژه کشورهای عربی، در سال‌های پیش از آن، حضور مقامات این کشورها قابل توجه و چشمگیر بود. در این اجلاس به بزرگ و مهم که با شرکت حدود چهل رئیس‌دولت برگزار شد، مسایل مختلف جهان اسلام با محور «عزت، گفتگو، مشارکت» مورد بحث قرار گرفت. در کل می‌توان گفت نفس این اقدام یعنی حضور گسترده سران جهان اسلام، سی و هفت وزیر امور خارجه، مسئولین و نمایندگان بیش از بیست سازمان بین‌المللی در مکانی واحد و بحث در خصوص مسایل مهم جهان اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است.

دستاوردهای اجلاس هشتم سران کشورهای اسلامی

۱- دستاوردهای سیاسی

الف) گفت‌وگوی تمدن‌ها: نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها که طرح آن از سوی آقای خاتمی رئیس‌جمهور وقت ایران انعکاس خاصی در صحنه بین‌المللی داشت، در سازمان کنفرانس اسلامی نیز بازتاب ویژه‌ای پیدا کرد. در این راستا، دبیرخانه سازمان با تشکیل گروه ویژه‌ای، تلاش کرد تا ابعاد مختلف سیاسی، اداری و مالی طرح بررسی و نتایج به منظور مشخص کردن خطوط اصلی، مورد ارزیابی قرار گیرد.

ب) اعتماد سازی: نظر به اهمیت موضوع، سران سازمان به پیشنهاد ایران بیانیه مستقلی با عنوان «بیانیه چشم انداز تهران» درباره این موضع خاص صادر کرد و اهمیت گفت‌وگوی میان کشورهای اسلامی و ایجاد حس اعتماد در آنان مورد تأکید قرار گرفت. برای اجرای این تصمیم اولین اجلاس کمیته ویژه با عنوان «اجلاس کمیته ویژه تقویت گفت‌وگو، همکاری و اعتماد کشورهای اسلامی» در سال ۱۹۹۸ در تهران برگزار شد.

ج) همکاری با سایر سازمان‌های بین‌المللی: در اجلاس تهران، سه قطعنامه در مورد همکاری با سازمان ملل متحد، همکاری با اوکو و همچنین همکاری با سایر سازمان‌های بین‌المللی به تصویب رسید.

د) اتحادیه بین‌المجالس اسلامی: یکی از مواردی که بعد از اجلاس تهران پیگیری شد، تشکیل اتحادیه بین‌المجالس اسلامی است که مقر دبیرخانه آن در تهران می‌باشد.

۲- دستاوردهای اقتصادی

اهم دستاوردهای ایران به عنوان رئیس دوره‌ای سازمان کنفرانس اسلامی، در حوزه امور اقتصادی به این شرح است: جدای از قطعنامه‌های متعارف اقتصادی، در اجلاس سران تهران، دو قطعنامه مورد توجه ویژه قرار گرفت. ۱- بازار مشترک اسلامی ۲- آماده‌سازی امت اسلامی برای ورود به قرن بیست و یکم. همایشی با عنوان «گسترش همکاری‌های اقتصادی - بازرگانی کشورهای اسلامی» در سال ۱۳۷۷ در تهران برگزار شد. هدف از این همایش، تبیین یک راهکار اجرایی مناسب برای اجرای قطعنامه‌های سازمان با بانک توسعه اسلامی بود. (بولتن خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶، ۱۴)

آسیب‌شناسی سازمان کنفرانس اسلامی

در بحث آسیب‌شناسی کنفرانس اسلامی باید به دو عامل که از اهمیت زیادی برخوردارند، اشاره کرد. این دو عامل همگرا و واگرا می‌باشند. هر کدام از این عوامل دارای زیرمجموعه‌ای از

متغیرهای دیگری می‌باشند که برخی به عنوان تقویت‌کننده و برخی به عنوان عوامل ضعف و شکننده عمل می‌کنند.

عوامل همگرا (نقاط قوت)

الف - عوامل بین‌المللی تأثیر گذار

* شرایط نظام بین‌المللی: نظام بین‌المللی بعد از فروپاشی شوروی، دچار خلاء ایدئولوژیکی شد. چنانچه سازمان کنفرانس اسلامی بتواند این خلاء ایدئولوژیکی را با توجه به ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل خود که برخاسته از میانی اسلامی است، پر نماید، امید است که بتواند به عنوان یک قطب جدید در عرصه سیاسی جهان امروز مطرح گردد.

* ارتباط با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی: از آنجایی که تعداد زیادی از اعضای سازمان در سایر نهادها و سازمان‌های سیاسی و اتحادیه‌های اقتصادی عضو می‌باشند. این امر می‌تواند تأثیر مثبتی بر موضوع همبستگی و همگرایی در سازمان مذکور داشته باشد. به عنوان مثال برخی از اعضای سازمان کنفرانس اسلامی در جنوب شرق آسیا نظیر اندونزی عضو «آسه آن» می‌باشند و همچنین ده کشور عضو این سازمان عضو اکو نیز هستند.

ب - عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر همگرایی

* دین اسلام: همان‌طور که می‌دانیم اساس تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی بر مبنای یک ایدئولوژی واحد می‌باشد و آن هم اسلام است. البته شایان ذکر است که این عامل، عامل سیاسی نیز می‌تواند محسوب شود.

* پیشینه تاریخی و فرهنگی مشترک: بسیاری از کشورهای عضو سازمان، خصوصاً اعضای خاورمیانه‌ای آن دارای تاریخ و فرهنگ مشترکی هستند و آن هم به این دلیل است که آن‌ها در گذشته عضوی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند.

* ادبیات و آداب و رسوم مشترک: ادبیات و زبان محاوره‌ای بسیاری از این کشورها زبان عربی است که این خود عامل مهمی در جهت نزدیکی این کشورها می‌تواند به حساب آید.

* احساس مشترک در زمینه توسعه فرهنگی: کشورهای عضو این سازمان سال‌های متمادی مواجه با عملکردهای استعماری بوده‌اند و بدین سبب دچار عقب ماندگی‌های مشترکی هستند که این خود موجد احساس مشترک در زمینه رسیدن به توسعه شده است. سازمان در زمینه مسایل فرهنگی فعالیت‌های عمده‌ای داشته است از جمله تشکیل مؤسسات تابعه و فرعی مانند سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی - مرکز تحقیقات تاریخ، هنر و فرهنگ اسلامی و کمیسیون بین‌المللی حفظ میراث اسلامی. سازمان اقدامات فرهنگی خود را از

طریق کمیته دائمی «همکاری‌های اطلاعاتی - فرهنگی» یا «کومیاک» انجام می‌دهد. از جمله اقدامات فرهنگی معروف و ماندگار سازمان، موضع یکسان در قبال اهانت به ارزش‌های اسلامی و مشخصاً موضوع سلمان رشدی است. همچنین می‌توان از تلاش‌های موفق سازمان در تقریب نقطه نظرات فرق مختلف اسلامی در چارچوب «مجمع فقه اسلامی» نام برد.

ج - عوامل سیاسی مؤثر بر فرایند همگرایی

* همگرایی در سیاست خارجی: این مسئله از جمله مواردی است که به صراحت در منشور این سازمان به آن اشاره شده است. در ماده دوم منشور سازمان آمده است که اهداف سازمان می‌بایست متضمن دو شرط اساسی باشند:

۱- گسترش همبستگی اسلامی بین کشورهای عضو. ۲- فراهم نمودن زمینه‌های مشورت و هماهنگی بین کشورهای عضو در سازمان بین‌المللی، در صورت تحقق دو شرط مذکور، زمینه‌های لازم جهت طراحی یک سیاست خارجی مشترک از سوی سازمان کنفرانس اسلامی فراهم خواهد شد. تلاش‌های همگرایانه سازمان در خصوص مسئله فلسطین، از نمونه‌های بارز همگرایی سیاسی بین کشورهای عضو سازمان است که همگی خواستار آزادی قدس شریف هستند.

* احساس خطر مشترک: سازمان کنفرانس اسلامی، اسرائیل را به عنوان اصلی‌ترین دشمن جهان اسلام معرفی کرده است و در همین راستا کمیته‌هایی را برای مبارزه با اسرائیل تأسیس کرده که این امر مؤید اعتقاد مشترک تمامی کشورهای عضو سازمان مبنی بر احساس خطر از ناحیه اسرائیل می‌باشد. این کمیته‌ها عبارتند از: ۱- کمیته کارشناسان مسلمان برای بررسی راه‌های مبارزه با خطر اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی اعراب و فلسطین. ۲- کمیته اسلامی نظارت بر اقدامات دشمن صهیونیستی ۳- دفتر اسلامی همکاری نظامی با فلسطین. ۴- دفتر نظامی تحریم اسرائیل.

* تأکید بر حقوق بین‌المللی و منشور ملل متحد: تأکید بر این مسئله نیز عامل اتحاد میان کشورهای عضو سازمان است. در حالی که هر کشور می‌تواند با برداشت خاص خود از حقوق بین‌المللی و طرح رادیکالیسم در داخل سازمان کنفرانس اسلامی عناصر میانه‌رو برخی از کشورهای لائیک را تحت فشار قرار دهد، این عامل می‌تواند عنصر وحدت بخشی در داخل سازمان باشد.

* موقعیت استراتژیک و ژئوپولیتیک کشورهای اسلامی: کشورهای عضو این سازمان در یکی از بهترین موقعیت‌های جغرافیایی قرار دارند. وجود آبراه‌های استراتژیک و حساس در

سرزمین‌های اسلامی مانند تنگه‌های داردانل، هرمز، بسفر، کانال سوئز و غیره محل اتصال سه قاره جهان است. بیش از یکصد تنگه و آبراه در جهان وجود دارد که عرض آن‌ها کمتر از چهل کیلومتر (بیست و پنج مایل) است، اگر امکان رتبه‌بندی این آبراه‌ها از حیث تعداد کشتی‌ها، حجم کالاهای نفتی، میزان استفاده نظامی و آسیب‌پذیری جغرافیایی (طول، عمق، عرض) وجود داشت، نتیجه ممکن بود بتواند فوق‌العاده بودن پنج آبراهی که در دو منطقه حساس خاورمیانه و شمال آفریقا عمل می‌کنند را روشن کند. تنگه جبل الطارق، تنگه بسفر، داردانل، تنگه باب‌المندب و تنگه هرمز در شمار آبراه‌های ممتاز جهان قرار می‌دارند. همچنین کانال سوئز در مسیر دریایی بین اقیانوس‌های اطلس و هند، حلقه کلیدی را تشکیل می‌دهد. کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی می‌توانند جهت مقابله با قدرت‌های سلطه‌جو از این مناطق استراتژیک به عنوان کانون همگرایی کشورهای اسلامی بهره‌جویند. البته این امر مشروط به حل اختلاف کشورهای اسلامی با یکدیگر در خصوص آبراه‌های مذکور می‌باشد که در بعضی از مواقع به عنوان عامل واگرا عمل می‌کند.

د - عوامل اقتصادی مؤثر بر فرایند همگرایی

وجود منابع غنی انرژی و معادن فوق‌العاده زیرزمینی مانند نفت و گاز و انواع کانی‌های با ارزش همچون طلا و اورانیوم، مس، نقره و انواع سنگ‌های تزئینی گرانبها حاکی از ثروتمند بودن کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی می‌باشد. شایان ذکر است در صورتی این منابع می‌توانند با اهمیت تلقی شوند که برنامه‌ریزی صحیح و اصولی در خصوص آن‌ها اتخاذ شود، در غیر این صورت حتی ممکن است این موارد در جهت عکس عمل کرده و عاملی تهدیدزا گردند. مثلاً در زمینه نفت اگر این کشورها فقط صادرکننده‌ی ماده خام این محصول باشند، این خود موجب تک محصولی شدن و در نتیجه وابستگی اقتصادی می‌شود. مزیت دیگر کشورهای اسلامی از لحاظ محصولات کشاورزی است این کشورها در یک رشته از محصولات دارای مزیت مطلق هستند بویژه محصولات مناطق گرمسیری مانند خرما، هشتاد درصد از محصول خرماي جهان در کشورهای اسلامی همچون عراق، ایران، عربستان و امارات تولید می‌شود که در صورت برنامه‌ریزی صحیح این کشورها می‌توانند به یکی از قطب‌های کشاورزی جهان تبدیل گردند. این وضعیت وقتی به نتیجه می‌رسد که این کشورها در راستای مکمل بودن همدیگر عمل کنند و نه در راستای فرسایشی و رقابتی عمل کردن (درايسل و بلیک، ۱۳۷۳، ۳۸).

نکته دیگر در خصوص همگرایی اقتصادی مربوط به تشکیل بازار مشترک اسلامی با بیش از یک میلیارد و دویست میلیون نفر جمعیت است، این شرایط بالقوه موجود در صورت به فعلیت رسیدن یکی از مهمترین زمینه‌های خودکفایی کشورهای مسلمان را تأمین می‌کند. با توجه به

شرایط جهانی و ویژگی‌های موجود در دوران کشورهای عضو سازمان در حال حاضر تعداد زیادی از کشورهای اسلامی اعتقاد دارند که وحدت سیاسی به دست نمی‌آید مگر اینکه ابتدا بنیادهای محکمی به‌ویژه در زمینه اقتصادی از طریق همکاری فزاینده در زمینه‌های تخصصی ایجاد شود مثل آنچه در اروپا روی داده است. شایان ذکر است که این مسئله - تشکیل بازار مشترک اسلامی - یکی از موضوعات مهم مورد بررسی در کنفرانس تهران بود. اما متأسفانه باید گفت سازمان در این زمینه توفیق چندانی نداشته است، زیرا ایجاد چنین بازاری نیازمند پیش شرط‌های مختلف بوده و به بسترسازی‌های فراوان نیاز دارد. زیرا که اصولاً فرایند همگرایی اقتصادی، فرآیندی چند مرحله‌ای است و در طول زمان انجام می‌گیرد، مانند اروپائی‌ها که ابتدا روند همگرایی را از جامعه ذغال و فولاد در سال ۱۹۵۱ شروع کردند و در سال ۱۹۵۷ به جامعه اقتصادی اروپا (EEC) و پس از طی چندین مرحله در ۱۹۹۲ به (EU) یا همان «اتحادیه اروپا» رسیدند و هم اکنون نیز اتحادیه اروپا سه مسئله «وحدت رویه در سیاست خارجی»، «عهدنامه شنگن، یورو در بستر پول واحد و دفاع مشترک را دنبال می‌کند. خلاصه این که ایجاد بازار مشترک بین کشورهای اسلامی نیازمند کاستن از تأکید افراطی بر حاکمیت ملی و واگذاری قسمتی از این حاکمیت بر یک نهاد فوق ملی است که می‌تواند در درون همان سازمان کنفرانس اسلامی تجلی یابد.

عوامل واگرا (نقاط ضعف)

معمولاً عوامل همگرا در برخی از مواردی می‌تواند دوگانه عمل کند و به صورت عامل واگرا ظاهر شود. عوامل واگرا را می‌توان به سه مقوله تقسیم کرد؛ الف) عوامل سیاسی واگرا، ب) عوامل فرهنگی - اجتماعی واگرا، ج) عوامل اقتصادی واگرا. با توجه به اهمیت عوامل سیاسی، بیشتر بر این قسمت تأکید می‌شود و عوامل اجتماعی و اقتصادی به صورت خلاصه و اجمالی اشاره می‌شود. (رشوند، ۱۸-۱۷)

عوامل سیاسی مؤثر بر واگرایی:

۱- وجود نظام‌های سیاسی ناهمگن: جمهوری، جمهوری اسلامی، پادشاهی، امیرنشین، شیخ نشین از این دسته نظام‌ها هستند که باعث شده این کشورها نتوانند نظام سیاسی شان را به هم نزدیک کنند. در برخی از این کشورها با وجود این که بیش از نود درصد از جمعیت آن‌ها را مسلمانان تشکیل می‌دهند ولی همواره گرایش به نظام‌های حکومتی لائیک در آن‌ها به چشم می‌خورد مثل ترکیه. برخی از کشورهای بازمانده از اتحاد شوروی سابق هم این چنین هستند یعنی اگرچه عنوان کشور اسلامی را با خود یدک می‌کشند ولی نباید فراموش کرد که اساساً این

حکومت‌ها در پرتو هفتاد سال تبلیغات کمونیستی و ضد مذهبی دارای گرایشات «سکولار» یا غیردینی هستند و این نکته نیز قابل توجه است که دوازده کشور از پنجاه و هفت کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی در قوانین اساسی‌شان تأکید شده که کشورهایی غیردینی یا همان سکولار هستند.

۲- وابستگی به قدرت‌های بزرگ: کشورهای عضو سازمان به میزان و درجات گوناگون دچار وابستگی‌های سیاسی می‌باشند، حتی کشورهایی که داعیه مبارزه با غرب را دارند، نظیر لیبی یا سوریه، وابستگی آن‌ها به نظام بین‌المللی چشمگیر است. همچنین ترکیه یکی از هم‌پیمانان ناتو از سال ۱۹۵۳ تاکنون است. کمک‌های نظامی و اقتصادی آمریکا به ترکیه همواره نقش اساسی در روابط دو کشور ایفا کرده است و نقش ترکیه در جریان سرکوب عراق پس از تجاوز به کویت، نمونه‌گویی از همسویی این دولت با آمریکا است. برخی از جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی سابق هم که در دوران ریاست جمهوری آقای رفسنجانی متحد دولت ایران بودند، می‌بینیم که آمریکا در سیاست‌های آنان نفوذ پیدا کرده، نمونه بارز این نفوذ حذف جمهوری اسلامی ایران از کنسرسیوم نفتی آذربایجان و تلاش برای متقاعد کردن ترکمنستان مبنی بر این که حتی لوله نفتی این کشور از ایران عبور نکند. وابستگی کشورهای عضو سازمان به بلوک‌های قدرت جهانی باعث شده که انسجام و یا تشتت درون سازمان تابعی از همکاری و یا رقابت بین قدرت‌های بزرگ باشد و اثرات خاصی را که مهمترین آن بی‌ثباتی در داخل سازمان است برجای گذارد. هواداری اعضای این سازمان از قدرت‌های جهانی در بعضی از مواقع، وحدت درون سازمان را مختل ساخته است. به عنوان مثال هنگام حمله شوروی به افغانستان، موضع‌گیری جمعی سازمان برای محکومیت اشغالگر با مخالفت و تحریم کشورهایی مانند سوریه و لیبی مواجه گردید. یا موضع‌گیری این سازمان علیه آمریکا پس از حمله این کشور به ایران برای آزادسازی گروگان‌ها (اعضای سفارت آمریکا در تهران) با اشکال تراشی عربستان سعودی روبرو شد.

۳- فقدان کثرت‌گرایی در کشورهای اسلامی: اکثر این کشورها دارای نظام‌های حکومتی متمرکز و یا تک‌حزبی هستند ولی با این وجود برخی از آن‌ها مانند پاکستان و یا کشورهای جنوب شرقی آسیا آن هم نه در تمامی شاخص‌ها بلکه در بخشی از آن تا حدودی به کثرت‌گرایی سیاسی رسیده‌اند.

۴- بی‌ثباتی سیاسی ناشی از جنگ و درگیری‌های داخلی: از جمله موانع مهم همگرایی در بین کشورهای اسلامی به شمار می‌رود مانند: اختلافات فرقه‌ای در لبنان که منجر به جنگ داخلی گردید، اختلافات میان ارامنه و آذری‌ها در آذربایجان، اختلافات مذهبی، جدایی طلبی کردها در ترکیه و عراق، درگیری‌های مذهبی در سودان.

۵- اختلافات سیاسی امنیتی بین کشورهای عضو سازمان: از جمله این اختلافات، اختلافات مرزی است مانند: اختلافات مرزی ایران و امارات بر سر جزایر سه گانه ایرانی. مکانیزمی که سازمان برای حل و فصل مسالمت‌آمیز این گونه اختلافات اندیشیده است، تأسیس «دادگاه بین المللی عدل اسلامی» می‌باشد که اختلافات بین کشورهای عضو را در چارچوب قوانین و احکام اسلامی حل و فصل کند.

۶- جناح بندی‌های درون سازمان، رقابت اعضا و تأکید افراطی بر حاکمیت ملی: مبارزه با اسرائیل و تلاش برای آزادی فلسطین حداقل به صورت لفظی یکی از عوامل تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی است ولی با شروع به کار سازمان نظرات مختلفی بروز کرد. برخی از کشورها همچون مصر، عراق و یمن خواستار آن بودند که هدف اصلی سازمان مبارزه با اسرائیل و ایجاد جبهه واحد به خاطر اقدام مشترک علیه این رژیم باشد ولی برخی دیگر از اعضا مثل ایران (در زمان شاه) و عربستان سعودی خواستار حرکتی محتاطانه و میانه‌روتر و اتخاذ سیاست گام به گام علیه دشمن اسرائیلی بودند. بنابراین هرچند گرایش زیادی در جهان اسلام نسبت به مسئله فلسطین دیده می‌شد اما سازمان به دو گروه میانه‌رو و تندرو تقسیم شد. هم اکنون این جناح بندی در سازمان اگرچه کمتر شده اما کاملاً از بین نرفته است.

ب) عوامل فرهنگی - اجتماعی واگرا

۱- بروز تعارضات مذهبی و زبانی در کشورهای اسلامی: بعضی از این کشورها ملغمه‌ای از مذاهب و ادیان را در خود جای داده‌اند که این مسئله دولت‌های این کشورها را برای برقراری ثبات سیاسی و اجتماعی با مشکل روبرو کرده است.

۲- بروز تعارضات قومی و نژادی: همان‌طور که در بخش قبل هم مشاهده شد، اختلاف فرقه‌ای در لبنان که منجر به جنگ داخلی گردید، اختلافات میان ارمنی‌ها و آذری‌ها، جدایی طلبی کردها در ترکیه، نمونه‌ای از تعارضات قومی و نژادی می‌باشد.

۳- تجربیات تاریخی گذشته (استعمار): تغییر رسم الخط بعضی از این کشورها همچون ترکیه از عربی به لاتین و یا حتی تغییر زبان آن‌ها و تبدیل آن به زبان کشور استعمارگر، نمونه‌هایی در این زمینه می‌باشند. (به‌ویژه اعضای آفریقایی)

ج) عوامل اقتصادی واگرایی در سازمان کنفرانس اسلامی

۱- تک محصولی بودن بسیاری از اعضای سازمان به‌ویژه در قاره اروپا
 ۲- عدم تشابه نظام‌های اقتصادی کشورهای عضو: بعضی از اعضا دارای نظام اقتصادی سرمایه‌داری و برخی دیگر دارای نظام‌های اقتصادی شبه کمونیستی هستند.

- ۳- نابرابری در سطح توسعه اقتصادی اعضا: در حالی که کشورهای خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی مثل عربستان، ایران و مالزی دارای توسعه اقتصادی تقریباً بالایی هستند، برخی دیگر از آن‌ها که غالباً در آفریقا می‌باشند، توسعه اقتصادی آن‌ها در سطح بسیار پائینی قرار دارد.
- ۴- پائین بودن سطح تجارت در بین کشورهای عضو
- ۵- وابستگی‌های اقتصادی کشورهای عضو: نیاز به واردات محصولات کشاورزی مانند گندم، ذرت، برنج، نیاز به واردات تکنولوژی صنعتی.

نتیجه‌گیری و چشم‌انداز

اگر بپذیریم که کشورهای قدرتمند و صاحب نفوذ، همواره به نفع کشورهای بلوک خود و به زیان کشورهای جهان سوم و به‌خصوص کشورهای مسلمان گام بر می‌دارند و همچنین بر اثر وادادگی سران برخی کشورهای مسلمان در مقابل همین قدرت‌ها بر این زیان و ضرر افزوده می‌شود به این نتیجه می‌رسیم که این کشورها چاره‌ای ندارند جز با همکاری و هماهنگی در تمامی ابعاد (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) به مقابله با وضع موجود و تغییر تدریجی آن به سود خود بپردازند. سازمان کنفرانس اسلامی با درک این موقعیت، در سال ۱۹۶۹ با سعی و تلاش شماری از کشورهای مسلمان از جمله ایران و عربستان - هر کدام با اهداف خاص خود - تأسیس گردید. اعضای این سازمان همه مسلمان و جهان‌سومی هستند و از وجوه مشترک در زمینه‌های مذهبی، اقتصادی و سیاسی برخوردارند، بخش قابل توجهی از منابع انرژی جهان - نفت و گاز - به مثابه یک عامل قدرتمند، در اختیار کشورهای اسلامی است و این عامل اساسی برای همگرایی کشورهای عضو سازمان جهت مقابله با تصمیمات غیر منطقی قطب‌های قدرت جهانی تا حدودی می‌تواند مؤثر باشد. اعضای سازمان در چهار قاره آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکا واقع شده‌اند و بسیاری از مناطق استراتژیک جهان، چون کانال سوئز، تنگه هرمز و تنگه باب‌المندب در جهان اسلام قرار دارند که هر کدام از این عوامل به‌نوبه خود می‌توانند بر قدرت این سازمان بیفزایند. از سوی دیگر با پایان جنگ سرد و نقش سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی در حل بحران‌های مختلف، سازمان کنفرانس اسلامی با پنجاه و هفت عضو گروه به‌عنوان یک گروه قدرتمند بین‌المللی می‌تواند نقش مهمی را در صحنه سیاست بین‌المللی ایفا کند به‌ویژه آن‌که امکان حل برخی مسایل جهانی و منطقه‌ای بدون مشارکت کشورهای اسلامی وجود ندارد و به همین منظور در بحران‌های منطقه‌ای بالخصوص در جهان اسلام (مانند بحران بوسنی و کوزوو)، دبیر کل سازمان ملل از سازمان کنفرانس اسلامی استمداد می‌جوید. همچنین به دلیل این‌که اعضای این سازمان در سایر سازمان‌های منطقه‌ای مثل اکو، آسه‌آن، جنبش عدم تعهد، اوپک، سازمان وحدت آفریقا عضویت دارند، این سازمان می‌تواند با همکاری سازمان‌های

مذکور، در جهت رفع مشکلات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اعضا گام بردارد. ایران از حیث وضع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و موقعیت ژئوپولیتیک، کشور با اهمیتی در سازمان به حساب می‌آید. بر همین اساس از ابتدای فرایند تشکیل سازمان، در صحنه حاضر بوده است. اگرچه در دوره‌هایی این حضور به علت به وجود آمدن اختلافاتی با سازمان کم‌رنگ شد، اما هیچگاه قطع نگردید و با پایان جنگ و رویکرد جدید ایران به سازمان‌های بین‌المللی، این حضور جنبه تازه‌ای به خود گرفت. نکته حائز اهمیت آن که نیروهای وحدت بخش گوناگون، نظیر اسلام و سایر موارد عنوان شده، در کارند تا اعضای سازمان را به یکدیگر پیوند دهند، اما این نیروها تاکنون حریف نیروهای تفرقه‌انداز و واگرا نشده‌اند، این کشورها به دلایل مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی در سطوح گوناگونی قرار دارند و رقابت‌های درون سازمانی و تأکید افراطی بر حاکمیت ملی، مانع از یکپارچگی و وحدت رویه در مسایل مختلف شده است. امید می‌رود کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی با الگوپذیری از اتحادیه اروپا بتوانند بر عظمت و اقتدار و شکوه اسلامی خود بیفزایند و با تقویت عوامل همگرا، از عناصر واگرا بکاهند.

منابع

- ۱- امامی، محمدعلی، ۱۳۷۴، بررسی روابط سوریه و عراق در دهه ۱۹۸۰، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲- احمدی، حمید، ۱۳۷۷، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران: انتشارات کیهان.
- ۳- برهانی، سیدهادی، ۱۳۷۶، سازمان کنفرانس اسلامی و اجلاس تهران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲۲-۱۲۱.
- ۴- برهانی، سیدهادی، ۱۳۷۶، منطق تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی، سیاست خارجی، شماره ۳.
- ۵- بنده مقام، محمد مهدی، ۱۳۶۸، علل ایجاد کنفرانس اسلامی و نقش عربستان سعودی، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۶- درایسل، آلسوایر، بلیک، جرالداچ، ۱۳۷۳، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه میرحیدر مهاجرانی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۷- رضوی، مهدی، ۱۳۷۶، مواضع سازمان کنفرانس اسلامی در قبال تجاوز عراق، بولتن خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.
- ۸- رشوند، غلامحسین، همگرائی و واگرائی در سازمان کنفرانس اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، تهران: دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.

- ۹- سنائی، اردشیر، ۱۳۸۶، **وضعیت سیاسی جدید و آینده روابط عراق و ایران**، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشکده علوم سیاسی تهران مرکز، شماره چهارم.
- ۱۰- سید السلیم، محمد، ۱۳۷۶، **سازمان کنفرانس اسلامی در جهان متغیر**، ترجمه حسن رضایی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۱- ظریف، محمدجواد، ۱۳۷۶، **ضرورت اصلاحات در سازمان کنفرانس اسلامی**، سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۳.
- ۱۲- موجانی، علی، ۱۳۷۶، **انگیزه‌های ایران در تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی**، سیاست خارجی، شماره ۳.
- ۱۳- ولایتی، علی اکبر، ۱۳۷۸، **ایران و مسئله فلسطین**، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۴- روزنامه اطلاعات، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۸.
- ۱۵- روزنامه کیهان، ۲۴ سپتامبر ۱۹۶۹.
- ۱۶- اساسنامه سازمان کنفرانس اسلامی، بخش اهداف، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۱، نشر در روزنامه اطلاعات.
- ۱۷- نگاهی گذرا به تشکیل کنفرانس اسلامی، بولتن خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۶ آبان ۱۳۷۶ ص ۱۴.